از سیمرغ تا پورسینا

دکتر منیژه مشیری

در این نوشتار نخست به بررسی پرنده افسانه‌ای سیمرغ و نقش درمانگری او در تاریخ اسطوره‌ای ایران پرداخته می‌شود. آنگاه با ذکر چکیده‌ای از زندگی ابن‌سینا، ارتباط بین نام این پرنده و لقب این دانشمند مورد بحث قرار می‌گیرد.

سیمرغ که بود؟

نام سیمرغ تداعی‌کننده اسطوره زال، پدر رستم، در شاهنامه و بزرگ شدن وی در آشیانه این پرنده بر فراز البرز کوه است؛ اما متون اوستایی و پهلوی آشیان این مرغ را در جای دیگری ذکر می‌کنند. واژه سیمرغ ترکیبی از دو بخش است: بخش اول آن در متون اوستایی، برطبق فرهنگ بارتلمه، «سَئِنَ» saēna به معنی شاهین و عقاب است و بخش دومش «مرغ» به معنی مرغ می‌باشد. در متون پهلوی این واژه به صورت «سین‌مورو» sēn murv (فره‌وشی ۳۱۲، ۳۹۸) تغییر کرده است. بارتلمه برابر فارسی نو این واژه را «سین‌مورغ» sīnmury می‌داند که در طول زمان حرف «ن» از آن حذف و به سیمرغ تبدیل شده است. برابر واژهٔ اوستایی «سَئِنَ» در فارسی نو، «سینا»است.

بارتلمه برای واژه سَئِنَ اوستایی سه معنی ذکر می‌کند: شاهین، مرغ شکاری؛ با ایمان؛ نام خانوادگی یک خاندان در دوران باستان. اگر واژه سَئِنَ اوستایی همریشه با ـ syená سنسکریت به معنای عقاب باشد، در این صورت در نزد هندوایرانیان، سیمرغ همان عقاب بوده است (بندهش، ۱۳۲).

در فرهنگ نفیسی آمده است که سیمرغ همان عنقاست، مرغ بزرگی که در کوه قاف می‌زید، شرق‌شناسان آن را به شاهین و عقاب ترجمه کرده‌اند و از سیمرغ در فارسی، مرغ بسیار بزرگ شکاری اراده شده است. در فرهنگ‌های فارسی و اشعار متقدمین، به مناسبت رنگهای متعدد پرهایش، آن را «سیرنگ» هم گفته‌اند.

سیمرغ در متون اوستایی و پهلوی

در متون اوستایی در «رَشن‌یَشت»، بند ۱۷ و «بهرام‌یشت»، بند ۴۱ به سیمرغ برمی‌خوریم. در مورد او در «رَشن‌یَشت» که ستایش‌نامهٔ ایزد رَشن (سومین داور روز رستاخیز) است، چنین آمده جایگاه سیمرغ بر فراز درختی در وسط دریای فَراخکرت است. در بند ۱۷ این یشت، خطاب به رَشن آمده است: «اگر هم تو بر بالای آن درخت سیمرغ که در وسط دریای فراخکرت بر پاست، آن درختی که دارای داروهای نیک و داروهای مؤثر است...» بنابراین سیمرغ ارتباطی نیز با داروهای شفابخش دارد.

در متنهای پهلوی هم آشیانه سیمرغ بر فراز درختی است که در دریای فَراخکرت رسته و تخم همه گیاهان در آن قرار دارد. در واقع آن درخت منشأ حیات گیاهی است. در مورد آفرینش چنین می‌گوید

***یک معنی واژه «سَئِنَ» اوستایی که در فارسی «سینا» شده، با ویژگی‌های بوعلی سنخیت دارد که همان پزشک و درمانگر افسانه‌ای در فرهنگ کهن است. نبوغ و مهارت بوعلی در پزشکی، او را لایق این لقب کرده که پورِ آن مرغ فرازمینیِ حکیم باشد**

که درخت «همه‌تخمه» را میان دریای فراخکرت بیافرید که از او همه نوع گیاهان می‌رویند و سیمرغ بر او آشیان دارد. و در مورد آفرینش مرغان می‌گوید که سیمرغ با شیر پستان بچگان را می‌پروراند.

در متن پهلوی «مینوی خرد» آمده: «دانا از مینوی خرد پرسید: سیمرغ کجا آشیان دارد؟» مینوی خرد پاسخ داد: «آشیان سیمرغ بر درخت دورکنندهٔ غم بسیارتخمه است و هر گاه از آن برخیزد، هزاران شاخه از آن درخت بروید.» از این درخت «همه‌تخمه» که حاوی بذر همه گیاهان است و با آنها دردها درمان و غمها از مردمان دور می‌شود، می‌توان حدس زد که سیمرغ هم پزشک درمانگر است و هم داروشناس.

سیمرغ در شاهنامه و منطق‌الطیر

جایگاه سیمرغ در شاهنامه، بر فراز البرز کوه است و زال را پرورش می‌دهد.

سیمرغ، اثر استاد محمود فرشچیان

یکی کوه بُد، نامش البرز کوه
به خورشید نزدیک و دور از گروه
بدان جای سیمرغ را لانه بود
در آن خانه، از خلق بیگانه بود

هنگامی که تولد رستم با مشکل مواجه می‌شود، این سیمرغ است که به زال راهنمایی می‌کند تا پهلوی رودابه را بشکافند و فرزند را خارج کنند. او در شاهنامه نه تنها پزشک است، بلکه پرهایش نیز خواص درمانی دارد. همچنین داستان رستم و اسفندیار نشان می‌دهد که این مرغ افسانه‌ای با ساختمان کالبد انسان آشناست. به طور کلی در ادبیات بعد از اسلام، داستان سفر مرغان به سوی «سیمرغ»، از جمله در منطق‌الطیر مطرح شده است. به نظر دکتر صادق گوهرین، عطار منطق‌الطیر را در نیمه دوم عمرش، یعنی پس از آنکه خودش مراحل سیر و سلوک را طی کرده و از دشواری‌های راه آگاه شده، نوشته است. عطار یکایک احوالی را که مردان خدا در طی طریق به آن برمی‌خورند، بیان کرده و به کیفیت گذشتن از آنها اشاره نموده است. داستان منطق‌الطیر چنین آغاز می‌شود که گروهی از مرغان به پیشنهاد هدهد برای یافتن پادشاهشان «سیمرغ»، سفری را به مقصد کوه قاف که جایگاه اوست، آغاز می‌کنند. هدهد به مرغان چنین می‌گوید:

هست ما را پادشاهی بی‌خلاف
در پس کوهی که هست آن کوه قاف
نام او سیمرغ، سلطان طیور
او به ما نزدیک و ما زو دور دور

در طی طریق، هر بار گروهی از مرغان بهانه‌ای می‌آورند و ادامه مسیر بازمی‌مانند. سرانجام از هزاران مرغ، تنها «سی مرغ» پر شکسته باقی می‌مانند که می‌توانند خود را به سراپرده غیب برسانند. آنها با نگریستن در آینهٔ حق درمی‌یابند که سیمرغ و حقیقت در وجود خود آنهاست.

هر که آید، خویشتن بیند در او
جان و تن هم جان و تن بیند در او
محو او گشتند آخر بر دوام
سایه در خورشید گم شد، والسلام

پور سینا کیست؟

ابوعلی حسین بن عبدالله بن حسن بن علی در پاره‌ای متون، عنوان «بن‌سینا» را نیز دارد. او در ۳۵۹ش در افشنه یا خرمیثن زاده شد و پس از ۵۷ سال عمر، در سال ۴۱۶ش در همدان درگذشت. پدرش بلخی بود و مادرش اهل افشنه، نزدیک بخارا. وی در بخارا کسب علم کرد. در ده‌سالگی قرآن را از بر شد. او علاوه بر اینکه در علوم پزشکی، ریاضی، اخترشناسی، فیزیک، شیمی، جغرامیا، زمین‌شناسی، فلسفه، منطق و موسیقی سرآمد دانشمندان بود، شعر نیز می‌سرود. اهمیت آثار او به‌ویژه در پزشکی، موجب شد که در ردیف یکی از تأثیرگذارترین دانشمندان جهان قرار بگیرد. کتاب «القانون فی الطب» یکی از معروف‌ترین آثار تاریخ پزشکی است که به چندین زبان ترجمه و در دانشگاه‌های پزشکی تدریس می‌شده است. نبوغ بی‌نظیر وی در علوم گوناگون سبب شد که به وی لقبهای متعددی بدهند، مانند: سلطان طب، شیخ‌الرئیس، حجه‌الحق، شرف‌الملک، امام‌الحکما، رئیس‌المَشّائین و خواجه حکیمان جهان. پاره‌ای متون «پور سینا» یا «ابن سینا» (فرزند سینا) را لقب وی به حساب آورده‌اند.

سینا و سیمرغ

برخی صاحب‌نظران بر آنند که نامیدن بوعلی به صورت رایج «بوعلی سینا» و «ابن سینا»، به چند دلیل ابهام‌آمیز است: اول اینکه در آن دوران، گزینش نام خانودگی رایج نبود و فرزند را با نام کوچک پدر می‌شناختند، پس باید نام پدر بوعلی، سینا باشد که مطابق شجره‌نامه‌ها چنین نیست. دوم اینکه اگر بعضی متون سینا را جد اعلای او ذکر کرده‌اند، در این صورت بوعلی «ندیدهٔ» سینا به شمار می‌آید، نه پسرش. سوم اینکه باید به متون معتبری که فاقد واژه «سینا» در شجره‌نامه او هستند، بی‌اعتنا نبود. نتیجه‌ای که با در نظر گرفتن تمام این موارد به دست می‌آید، این است که سینا لقب بوعلی است، نه نام پدر یا جدش. پس مناسبت این لقب برای او چیست؟

همان‌طور که گفته شد، واژه «سَئِنَ» اوستایی که در فارسی امروز به صورت «سینا» درآمده است، دارای سه معنی مختلف است و معنی اولش با ویژگی‌های بوعلی سنخیت دارد که همان پزشک و درمانگر افسانه‌ای در فرهنگ کهن ماست. نبوغ و مهارت بوعلی در پزشکی، او را لایق این لقب کرده که پور آن مرغ فرازمینیِ حکیم باشد.

سرچشمه‌ها:

بندهش هندی، تصحیح و ترجمه رقیه بهزادی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۸، تهران.
بهار، مهرداد، اساطیر ایران،
پورداود، ابراهیم، یشتها ج۱و ۲، طهوری، ۱۳۴۷، تهران.
دهخدا، علی‌اکبر، لغتنامه، دانشگاه تهران، ۱۳۳۹، تهران.
عطار، فریدالدین، منطق‌الطیر، به اهتمام دکتر سیدصادق گوهرین، امیر کبیر ۱۳۳۶، تهران.
فرنبغ دادگی، بندهش، گزارنده مهرداد بهار، توس، چاپ سوم، ۱۳۸۵، تهران.
فره‌وشی، بهرام، فرهنگ پهلوی، دانشگاه تهران، ۱۳۵۲، تهران.
معین، محمد، فرهنگ فارسی، امیرکبیر، ۱۳۶۴، تهران.
مینوی خرد، مترجم احمد تفضلی، توس، چاپ چهارم ۱۳۸۵، تهران.
Bartholomae, Christian, Altiranisches Wörtebuch, Walter de Gruyter, &, Co.۱۹۶۱, Berln.

زبان و ساختار مناجات شعبانیه

گزیده‌ای از شعشعهٔ شعبانیه — **بخش دوم**

امیر مؤمنان(ع) در خطبه ۸۲، در مذمت دنیا و نقد آن فرموده‌اند:

من ابصرَ بها، بَصَّرَتْهُ
من ابصرَ الیها، اَعمَتهُ

هر کس به دنیا بنگرد، دیدهٔ دلش را روشن می‌کند.
هر کس در دنیا بنگرد، دیده دلش را تاریک می‌کند.

این تفاوت تنها با «ب» و «الی» پرداخته شده است. (ترجمه شهیدی). در نهج‌البلاغه، غررالحکم، دعای صباح، دعای کمیل و مناجات شعبانیه، شاهد چنین میناگری‌های زبانی و بیانی و معنایی هستیم؛ مانند:

کم من فقیر غنی و غنی مفتقر: بسا درویش توانگر و توانگر درویش.

نکته قابل تأمل، تفاوت فقیر و مفتقر است. مفتقر بر اساس قاعده «کثرة المبانی تدل علی کثرة المعانی» به دلیل این که حرفی بیشتر از فقیر دارد، درجه فقرش بیشتر است.

شاهدی دیگر از همین تقابل‌سازی‌های بی‌نظیر: **«صحّةُ الدّنیا اَسقامٌ و لذاتها آلام»**: سلامت دنیا، بیماری است و لذتهایش، دردند.

«سرُّکَ سُرورکَ ان کتَمته، و ان اذَعتهُ تُبورک»: رازت شادمانی توست نهانش داری؛ و اگر آشکارش کنی، موجب نابودی‌ات می‌شود.

به تقابل‌های «سرّ» و «سرور»؛ «سرور» و «ثبور»، نیز «کتمته» و «اذعته» و موسیقی و آوای واژه‌ها توجه کنید.

«من سَرَّهُ الغنی بلا مال و العزّ بلا سلطان و الکثرة بلا عشیره، فلیَخرُج من ذلّ معصیه الله الی عزّ طاعه فانّه واجد ذلک کله»: هر که می‌خواهد بی مال ثروتمند؛ بدون قدرت، عزیز و بدون وابستگانْ بسیار باشد، از خواری نافرمانی در برابر خدا، به عزت طاعت او بگراید. همه این امور برایش فراهم می‌شود. تمامی واژگان این عبارت با شش تقابل تنظیم شده است: «غنی بالامال»، «عزّ بلا سلطان»، «کثرت بلا عشیره»، «ذل و عز»، «معصیت و طاعت»، «من و الی».

دوم: واژگان با شمول معنایی و هم‌افزایی

این واژگان قلمرو معانی را گسترده‌تر می‌کند و بر ژرفای معنا می‌افزاید. شاید بتوان سه واژه «دعا»، «ندا» و «نجوا» را که در واقع مناجات شعبانیه با تکیه بر این سه واژه آغاز می‌شود، به عنوان نمونه‌ای شاخص بیان کرد. نمونه‌های دیگر:

«نور و ضیاء»، «دنوّ و قرب و لقاء»، «خائفاً و مراقباً»، «مستکین و متضرع»، «رجاء و امَل»، «سرور و بهجت»، «غضب و سخط»، «فنوط و ایاس»، «جود و عفو»، «فضل و سعه»، «نهج و نور» **(من انتهج بک لمستنیر)**، «اعتصام و مستجیر» **(من اعتصم بک لمستجیر)**.

نسبت میان واژه‌هایی که بر گستره و ژرفای معنا می‌افزایند، در تفسیر جعفر بن یحیی برمکی، به روایت جاحظ در البیان و التبیین، جذابیت بسیار دارد. برمکی از ادیبان زمانه و فردی بلیغ و سخن‌شناس بود. آراسته سخن می‌گفت و آراسته می‌نوشت. درباره چگونگی نظم و ترتیب واژگان در کلام امام علی(ع) گفته است واژه‌ها گویی سر در پی هم و دست به گردن یکدیگر دارند؛ مانند: **«هل من مناص او خلاص او معاذ و ملاذ او قرار او محار»**. از این سخن امیر مؤمنان نیز بسیار شگفت‌زده شده بود: **«اینَ من جَدَّ و اجتهد، و جمع و احْتَشد، و بَنی و شیَّد، او فرَشَ فمَهّد، او زَخرَف فنَجّد»**.

امام(ع) به سبک سخن توجه داشته است. از تعبیر «رتق و فتق» در سخن و نسبت آن با «بلاغت»، سخن گفته است: **«مَن قامَ بفتق القول و رتقه حازَ البلاغه»**: کسی که سخن را به هم می‌پیوندد و از هم می‌شکافد، به بلاغت دست یافته است. فراتر و دقیق‌تر از اطناب و ایجاز، می‌توان واژگانی که شمولیت معنا را سامان می‌دهد، «فتق» و واژگانی که تقابل را شکل می‌دهد و ما شاهد شکافتن سخن هستیم، «رتق» خواند. در واقع تقابل، تیغی است که واژگان را از هم جدا می‌کند. «فتق» به هم پیوستن واژگان و شکل‌گیری منظومه معانی است؛ سخن بلیغ این‌گونه سامان می‌یابد.

سوم: سبک یا هماهنگی

امام علی(ع) که او را امیر بیان و سلطان کلمه خوانده‌اند، به مقوله «زبان» توجه تمام داشت. ایشان هویت انسان را متناسب با زبان می‌داند. اگر مولوی سرود: «ای برادر تو همه اندیشه‌ای» امام با تأکید بر زبان، به ظرف بیان اندیشه، یا زبان به عنوان «خانه اندیشه» توجه داشته است: **«ما الانسانُ لولا اللسانُ، الا صورةٌ مُمَثّلةٌ و بهیمةٌ مُهمَله»**: اگر زبان نبود، انسان تنها نقشی بر دیوار یا جانوری رها بود.»

بر اساس چنین زاویه دید و داوری نسبت به زبان است که کلمات امام علی(ع) در کارگاه ذهن او آفریده شده است. این زیبایی و هندسه سخن به حدی است که برخی در درستی استناد نهج‌البلاغه به امام تردید روا داشته‌اند و کوشیده‌اند با ایجاد سایه‌روشن‌هایی به سخن خود وجه پژوهشی بدهند! ابن ابی الحدید با ظرافت به این نکته توجه داشته است. می‌گوید: برخی در درستی انتساب برخی خطبه‌ها و یا کلمات امیر مؤمنان به او تشکیک کرده‌اند. اولا آنان نمی‌توانند درباره تمام نهج‌البلاغه چنین داوری کنند؛ زیرا درستی انتساب بخشهایی از نهج‌البلاغه قطعیت دارد. آن بخشهایی نیز که مورد تردید واقع شده است، اگر به اسلوب سخن توجه کنیم، نوعی هماهنگی و انسجام در همه نهج‌البلاغه و کلمات امیر مؤمنان می‌بینیم. این هماهنگی به گونه‌ای است که اگر مواردی منحول نسبت داده شده باشد، می‌توان آنها را از حیث زبان و اسلوب شناسایی کرد؛ چنان‌که در شعر ابوتمام و شعر ابونواس، برخی قصائد منحول به آنان نسبت داده شده بود. دقت در سبک سخن، موجب شد که آن موارد از دیوان ابوتمام و ابونواس حذف شود.

اگر به نهج‌البلاغه توجه و تأمل کنیم، می‌بینیم: «وجدتهِ ماءاً واحداً و نفساً واحداً و اسلوباً واحداً...: در نهج‌البلاغه شاهد گوهری یگانه و جانی واحد و شیوه‌ای یکدست هستیم، مانند جسم بسیطی که تمامی بخشهای آن با یکدیگر هماهنگ‌اند. هیچ بخشی آهنگ مخالفی نمی‌نوازد. مثل قرآن عزیز که ابتدایش شبیه میان آن است و میانه‌اش شبیه منتهایش. هر آیه‌ای از حیث مبانی و شیوه و هنر و روش و نظم مثل دیگر آیات و دیگر سوره‌هاست.» به گمانم این عبارت از شرح نهج‌البلاغه را می‌توان به عنوان مبنای شناخت سبک و اسلوب نهج‌البلاغه در نظر گرفت.

افزون بر این عبارت بسیار مهم در شناخت شیوه و سبک نهج‌البلاغه و کلمات امیر مؤمنان(ع)، در جایی دیگر ابن ابی‌الحدید از واژه «اسلوب» و «سبک» استفاده کرده است. می‌توانیم اسلوب را شیوه و شکل و شمایل بیان و سبک را ساختار سخن تعریف کنیم. سبک چگونگی قالبگیری معانی در واژگان متناسب است. سبک اساساً به معنای شیوه قالب‌بندی و ریختن نقره مذاب در قالب مورد نظر است. ابن ابی الحدید پنج ویژگی برای نهج‌البلاغه برشمرده است: واژگان پیراسته، معانی درخشنده، جوامع الکلم، حکمت‌های زرین که در اسلوبی جامع مطرح شده‌اند، سبکی متقن و محکم. این ویژگی‌ها نهج‌البلاغه را در قله والای نثر درخشان عربی قرار داده است.

امام علی(ع) این مفاهیم را به شیوه‌ای که می‌توان آن را «طرز سخن علوی» نامید، بیان کرده است. جرج جرداق که شیفته امام و شیدای نهج‌البلاغه بود، در «روائع نهج‌البلاغه» در تبیین بلاغت امام به طرز سخن او اشاره کرده است:

«از شروط بلاغت، تناسب و موافقت سخن با مقتضای حال است، این امر در هیچ ادیب عربی مثل علی بن ابی‌طالب جمع نشده است. سخن و نوشته او پس از قرآن، مثل اعلای چنین بلاغتی است. در منتهای ایجاز، اما نیرومند و نشاط‌انگیز است. هماهنگی و انسجام تمام در بین واژگان و معانی و مقصود سخن در هم سرشته شده است. از موسیقی سخن، شیرینی طنینی خوش در گوش می‌نشیند.

ادامه دارد

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده
شرکت بازیافت اول راحیل (سهامی خاص)
ثبت شده به شماره ۴۵۱۵۹۸ و شناسه ملی ۱۴۰۰۳۹۴۷۴۵۳

بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت بازیافت اول راحیل (سهامی خاص) دعوت به عمل می آید جهت شرکت در مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده در ساعت ۱۲ ظهر مورخ ۱۴۰۱/۰۱/۰۶ که درمحل دفتر قانونی شرکت تشکیل می گردد حضور به هم رسانید.

دستور جلسه:
* تصویب صورتهای مالی سال ۱۳۹۹
* انتخاب بازرس قانونی و علی البدل
* انتخاب روزنامه کثیر الانتشار

هیات مدیره

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده
شرکت گروه سرمایه گذاری و بازرگانی اول سازان راحیل (سهامی خاص)
ثبت شده به شماره ۴۴۵۷۵۸ و شناسه ملی ۱۴۰۰۳۷۳۹۲۰۰

بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت گروه سرمایه گذاری و بازرگانی اول سازان راحیل (سهامی خاص) دعوت به عمل می آید جهت شرکت در مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده در ساعت ۱۴ مورخ ۱۴۰۱/۰۱/۰۶ که درمحل دفتر قانونی شرکت تشکیل می گردد حضور به هم رسانید.

دستور جلسه:
* تصویب صورت‌های مالی سال ۱۳۹۹
* انتخاب بازرس قانونی و علی البدل
* انتخاب روزنامه کثیر الانتشار

هیأت مدیره

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت پترو کک آرین ویان غرب سهامی خاص به شماره ثبت ۸۷۲ شناسه ملی ۱۴۰۰۹۰۹۴۲۷۳ دعوت به عمل می آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت که در ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۴۰۱/۰۱/۱۵ در محل شعبه داخلی شرکت به آدرس بلوار نلسون ماندلا، خیابان شهید سرتیپ هوشنگ وحید دستجردی، پلاک ۲۸۳، طبقه چهارم، واحد ۱۱ تشکیل می‌شود، حضور بهم رسانند.

دستور جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه: ۱ ـ انتخاب اعضای هیئت مدیره

مقام دعوت کننده: هیئت مدیره

آگهی مزایده عام شماره ۰۳-ف-۱۴۰۰ (مرحله دوم)

شرکت صنایع ریخته گری ایران خودرو (IKCI) در نظر دارد اکسید روی حاصل **از فرآیندهای خود را از طریق مزایده عمومی به فروش رساند. لذا از اشخاص حقیقی و حقوقی دعوت می شود جهت دریافت اسناد و آگاهی از شرایط فروش از تاریخ ۱۴۰۱/۰۱/۱۴ الی ۱۴۰۱/۰۱/۳۱ به آدرس دفتر مرکزی واقع در کیلومتر ۱۴ اتوبان تهران - کرج، خروجی پیکانشهر، شهرک سروآزاد، خیابان گودرزی، نبش هشتم غربی، پلاک ۱۰۲، طبقه سوم مراجعه و یا با شماره ۴۴۷۸۳۰۳۲-۰۲۱ تماس حاصل نمایند.**

آگهی مناقصه عام ۰۸-ب-۱۴۰۰ (مرحله دوم)

شرکت صنایع ریخته گری ایران خودرو (سهامی خاص) در نظر دارد خدمات طبخ و توزیع غذای کارکنان خود را واقع در کیلومتر ۱۳ جاده تاکستان ابهر، شهرک صنعتی حیدریه، خیابان دوم شرقی از طریق مناقصه عمومی به پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید. لذا از علاقمندان به همکاری دعوت می گردد در صورت تمایل، از زمان انتشار آگهی حداکثر تا پایان وقت اداری مورخ **۱۴۰۱/۰۱/۳۱** نسبت به دریافت و ارائه اسناد مناقصه به آدرس دفتر مرکزی این شرکت واقع در **کیلومتر ۱۴ اتوبان تهران کرج، پیکانشهر، آزادشهر، خیابان گودرزی، پلاک ۱۰۲، طبقه سوم واحد بازرگانی** مراجعه نمایند.

آقای میلاد رجبی فرزند زین‌العابدین مجهول‌المکان همسر شما خانم زینب محمدی فرزند محمد طبق شماره بایگانی شعبه ۰۰۰۰۶۴۸-۱۴۰۰/۹/۲۳ از شعبه دوم دادگاه خانواده سبزوار متقاضی ثبت طلاق می‌باشد لذا به شما ۷ روز مهلت قانونی داده می‌شود پس از نشر آگهی به دفترخانه مراجعه نمایید در غیر این صورت وفق مقررات قانونی رفتار خواهد شد.

محمود کامیابی‌پور سردفتر طلاق ۳ سبزوار
سبزوار خیابان اسرار ۶

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت سرمدسازان ساتراپ (سهامی خاص) به شماره ثبت ۱۸۴۶۴۶ و شماره ملی ۱۰۱۰۲۲۶۷۷۲۳ دعوت می گردد در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده که در روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۱/۰۷ رأس ساعت ۱۰ صبح در محل قانونی تشکیل می گردد حضور بهم رسانید.

دستور جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده:
۱ـ انتخاب بازرس قانونی و روزنامه شرکت

هیات مدیره

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده و مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت روغن صنعتی جنوب (سهامی خاص) ثبت شده به شماره ۲۱۹ ثبت شرکت‌های بم و شناسه ملی ۱۰۶۳۰۰۲۳۸۷۴

بدینوسیله از کلیه سهامداران یا نمایندگان قانونی آنها دعوت می‌گردد تا در مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده در ساعت ۸:۰۰ صبح و مجمع عمومی فوق‌العاده در ساعت ۱۰:۰۰ صبح مورخ ۱۴۰۱/۰۱/۱۴ در محل قانونی شرکت تشکیل می‌گردد حضور بهم رسانند.

ـ دستور جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده: انتخاب بازرسین و انتخاب اعضاء هیئت مدیره شرکت و هر تصمیمی که در صلاحیت مجامع عمومی باشد.

ـ دستور جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده: افزایش سرمایه شرکت و هر تصمیمی که در صلاحیت مجامع عمومی باشد.

هیئت مدیره

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده و مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت نیک مانسته سهامی خاص به شماره ثبت ۱۰۹۴۹۷ به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۵۳۲۳۰۰

بدینوسیله از کلیه سهامداران یا نمایندگان قانونی شرکت نیک مانسته سهامی خاص به شماره ثبت ۱۰۹۴۹۷ به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۵۳۲۳۰۰ دعوت به عمل می‌آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده مورخ ۱۴۰۱/۰۱/۱۰ ساعت ۱۰ و مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۴۰۱/۰۱/۱۰ ساعت ۱۲ به آدرس: تهران، شهرستان تهران، بخش مرکزی، شهر تهران، محله ونک، خیابان شهید مسعود صابری، خیابان شهید علی‌اکبر قوام‌پور، پلاک ۳۸، طبقه همکف، واحد ۱ ـ کدپستی ۱۹۹۵۷۶۳۱۴۱ تشکیل می‌شود، حضور به هم رسانند.

دستور جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده مورخ ۱۴۰۱/۰۱/۱۰ ساعت ۱۰:
۱ـ انتخاب بازرسین
۲ـ سایر مواردی که در صلاحیت مجمع باشد.

دستور جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۴۰۱/۰۱/۱۰ ساعت ۱۲:۰۰
۱ـ افزایش سرمایه
۲ـ تفویض اختیار به هیئت مدیره جهت عملی نمودن افزایش سرمایه
۳ـ سایر مواردی که در صلاحیت مجمع باشد.

هیأت مدیره

آگهی تغییرات شرکت نستله پارسیان سهامی خاص به شماره ثبت ۵۲۶۲۲۶ و شناسه ملی ۱۴۰۰۷۵۸۷۵۵۵

به استناد صورتجلسه هیئت‌مدیره مورخ ۱۴۰۰/۰۱/۲۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای راجر مارک فری، با کدفراگیر ۱۹۵۲۰۵۴۳۰۲۶۵، به سمت رئیس هیئت‌مدیره - آقای گایتن لکلف، دارنده کد فراگیر ۱۱۷۷۷۹۸۷۶، به سمت نایب رئیس هیئت‌مدیره هیئت‌مدیره - آقای کاستادین داموف، با کد فراگیر ۱۳۸۶۰۱۳۸۱۰۶۲، به سمت عضو هیئت‌مدیره - آقای بونواهاس، با کد فراگیر ۱۹۶۱۶۰۵۷۳۰۵۷، به سمت مدیرعامل (خارج از اعضا) انتخاب گردیدند. صاحبان امضای مجاز شرکت به دو گروه به شرح ذیل تقسیم که هر کدام دارای اختیارات ذیل الذکر میباشند: دارندگان حق امضای گروه الف: آقایان راجر مارک فرای به کد فراگیر ۱۹۵۲۰۵۴۳۰۲۶۵ و بونواهاس به کد فراگیر ۱۹۶۱۶۰۵۷۳۰۵۷. دارندگان حق امضای گروه ب: آقایان کاستادین داموف با کد فراگیر ۱۳۸۶۰۱۳۸۱۰۶۲، و محمد مستوفی نژاد به شماره ملی ۱۲۹۲۱۶۹۹۲۳ الف: امور بانکی: کلیه چکها، سفته‌ها و بروات، اسناد تجاری دیگر، قراردادهای بانکی و قراردادهای وام و تسهیلات اعتباری با بانکها، منجمله صدور اسناد LC (اعتبار اسنادی)، اسناد مالی بانکی، و پرداخت‌های آنلاین بانکی می‌بایست توسط دو نفر از هر کدام از دارندگان حق امضاء گروه الف یاب متفقاً، و در خصوص مبالغ بالاتر ۱۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال با امضای دو نفر از دارندگان حق امضاء گروه الف متفقاً و یا یک نفر از گروه الف و یک نفر از گروه ب متفقاً امضاء و به مهر شرکت ممهور گردد. انجام امور بانکی موضوع این بند قابل تفویض با وکالتنامه نمی‌باشد و هر گونه وکالتنامه در این خصوص باطل و بلااثر می‌باشد. ب: کلیه اوراق عادی غیر تعهدآور، مکاتبات، انجام امور گمرکی و وکالتنامه‌های رسمی محضری از جانب شرکت در خصوص آنها (با حق توکیل)، با امضاء احد از دارندگان حق امضاء گروه الف و یا ب به تنهایی (با حق توکیل) و با مهر شرکت معتبر می‌باشد. کلیه قراردادها، موافقتنامه‌ها (به استثناء قراردادهای بانکی مذکور در بند الف)، اسناد رسمی از هر نوع و با هر سقف، و وکالتنامه‌های محضری از هر نوع و با هر موضوع با امضاء منفرد هر یک از صاحبان امضای مجاز گروه الف با حق توکیل به غیر، همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران (۱۲۸۳۳۹۳)

****

آگهی تغییرات شرکت نستله ایران سهامی خاص به شماره ثبت ۱۱۱۶۰۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۵۵۳۲۵۶

به استناد صورتجلسه هیئت‌مدیره مورخ ۱۴۰۰/۰۱/۲۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: دارندگان حق امضای گروه الف: آقایان راجر مارک فرای به کد فراگیر ۱۹۵۲۰۵۴۳۰۲۶۵ و بونواهاس به کد فراگیر ۱۹۶۱۶۰۵۷۳۰۵۷. دارندگان حق امضای گروه ب: آقایان ذوالفقار علی به شماره فراگیر ۱۱۵۴۴۸۴۵۸، و کاستادین داموف با کد فراگیر ۱۳۸۶۰۱۳۸۱۰۶۲ و محمد مستوفی نژاد به شماره ملی ۱۲۹۲۱۶۹۹۲۳ الف: امور بانکی: کلیه چکها، سفته‌ها و بروات، اسناد تجاری دیگر، قراردادهای بانکی و قراردادهای وام و تسهیلات اعتباری با بانکها، منجمله صدور اسناد LC (اعتبار اسنادی)، اسناد مالی بانکی، و پرداخت‌های آنلاین بانکی می‌بایست توسط دو نفر از هر کدام از دارندگان حق امضاء گروه الف یا ب متفقاً، و در خصوص مبالغ بالاتر از ۱۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال با امضای دو نفر از دارندگان حق امضاء گروه الف متفقاً و یا یک نفر از گروه الف و یک نفر از گروه ب متفقاً امضاء و به مهر شرکت ممهور گردد. انجام امور بانکی موضوع این بند قابل تفویض با وکالتنامه نمی‌باشد و هر گونه وکالتنامه در این خصوص باطل و بلااثر می‌باشد. ب: کلیه اوراق عادی غیر تعهدآور، مکاتبات، انجام امور گمرکی و وکالتنامه‌های رسمی محضری از جانب شرکت در خصوص آنها (با حق توکیل)، با امضاء احد از دارندگان حق امضاء گروه الف و یا ب به تنهایی (با حق توکیل) و با مهر شرکت معتبر می‌باشد. ج: کلیه قراردادها، موافقتنامه‌ها (به استثناء قراردادهای بانکی مذکور در بند الف)، اسناد رسمی از هر نوع و با هر سقف، و وکالتنامه‌های محضری از هر نوع و با هر سقف، و وکالتنامه‌های دادگستری با هر موضوع با امضاء منفرد هر یک از صاحبان امضای مجاز گروه الف با حق توکیل به غیر، و یا با امضای منفرد آقای ذوالفقار علی تا سقف ۵.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد. د: آقای علیرضا سراپچی در کلیه امور غیرمالی اداری و مکاتبات با نهادهای دولتی و خصوصی، دارای اختیار امضا و عمل می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران (۱۲۸۳۳۹۴)

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالیانه صاحبان سهام برای سال مالی منتهی به ۱۴۰۰/۰۹/۳۰
شرکت مرغ اجداد زربال (سهامی عام)
به شماره ثبت: ۸۹۱۵۰ و شناسه ملی: ۱۰۱۰۱۳۳۵۳۸۷

به استحضار می‌رساند، جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه صاحبان سهام این شرکت در ساعت ۱۰:۰۰ صبح روز سه‌شنبه م